

خیلی جالب بود! جای شما خالی، بعد از نماز صبح حرکت کرده بودیم که صبح و خورشید صبحگاهی مسجد نصیرالملک شیراز را از دست ندهیم. شما نمی‌دانید تابیدن نور خورشید بر شیشه‌های رنگارنگ در مسجد و بعد بازتاب رنگارنگ آن روی فرش‌های زیبای مسجد چه صحنه جادویی‌ای خلق می‌کند! این واقعاً شاهکار است که زمان ساختن آن مسجد، ۱۴۰ سال قبل، معماران ایرانی همه این‌ها را حساب و کتاب کرده‌اند.

صبح را در شیراز سر کردیم و از تخت جمشید و باغ ارم دیدن کردیم. بعد راه افتادیم به سمت اصفهان. در اصفهان کافی است خود را به میدان امام (ره) برسانید، آن وقت است که می‌توانید ساعت‌ها بدون توجه به گذر زمان، با دهان نیمه‌باز، به شکوه و عظمت بناهای ایرانی اسلامی نگاه کنید و از معماری ایرانی لذت ببرید. هر طرف میدان را که نگاه کنید، پر است از نقش و نگارهای ایرانی یا گنبد و گلدسته و طاق‌های معروف معماری ایرانی؛ از بازار گرفته تا کاخ عالی قاپو و مسجد امام (ره) و مسجد شیخ لطف‌الله.

بعد از گشت‌وگذار در این بناها، در مسجد امام (ره)، بعد از نماز، متوجه چیز عجیبی شدم. انگار صدای ما در جاهایی از مسجد می‌پیچید و به گوش بقیه می‌رسید. به سراغ کسی که به محل آشنا بود رفتم و پرسیدم، داستان چیه که صدای پیچیده؟ گفت: اینجا طوری ساخته شده که طاق‌ها و صدای آهسته شما را به همه حاضران مسجد می‌رسانند. باورم

مسجد آکوستیک

نمی‌شد! یعنی مسجد خاصیت آکوستیک دارد! برای همین مثلاً سخنران می‌تواند با صدای آهسته صحبت کند و صدایش به همه برسد.

راستش همین جابود که دلم طاقت نیاورد دست به قلم شدم تا درون ناآرامم را با قلم و کاغذ آرام کنم. نوشتن همیشه یار و همدم من بوده است. معماری ایرانی از قدیم و سال‌های دور همواره یکی از هنرهای باشکوه و زبازند دنیا بوده است. اگر همین شرح کوتاه سفر ما یا بناهای خیلی زیادی را که در کشور وجود دارند به خاطر تان بیاورید، این حرف را تأیید خواهید کرد. معماران ایرانی همیشه با توجه زیاد به همه جزئیات و بهره‌برداری از همه امکانات و فضاهای موجود، سعی می‌کردند خانه و بناهایی زیبا و البته با در نظر گرفتن رفیع نیازهای ساکنان بسازند. مثلاً خانه را طوری طراحی می‌کردند که از نور خورشید حداکثر استفاده را ببرند و خانه کمتر تاریک بماند. در مناطق کویری طوری بنا می‌ساختند که یک حیاط در مرکز خانه باشد و از طرف دیگر، با استفاده از بادگیرهایی که روی پشت‌بام تعبیه کرده بودند، باد به درون خانه بیاورد و در آن بگردد، طوری که در اوج تابستان هم به این ترتیب خانه خنک بماند. در بعضی مناطق هم که در خانه‌ها سرداب می‌ساختند. معماران ایرانی تلاش می‌کردند با توجه و دقت و با استفاده از بهترین مصالح و ماده اولیه، خانه‌ها را طوری محکم و مقاوم بسازند که سال‌های سال سر پا بمانند و قابل استفاده باشند. عمارت‌ها و خانه‌های تاریخی ایرانی را که نگاه کنید، سال‌های سال از احداث آن‌ها می‌گذرد، اما هنوز محکم و مقاوم‌اند.

و هم‌زمان مراقب بودند با استفاده از قوانین تقارن و با بهترین کاشی‌ها و استفاده از رنگ‌های گوناگون، با طراحی زیبایی فضای سبز و نقش و نگارها، زیبایی بنا را حفظ کنند، طوری که بعد از سال‌های سال هنوز چشم بینندگانشان را خیره کنند. این استحکام و دقت و زیبایی و این بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت‌ها و امکانات راز هنر باشکوه و ماندگار معماری ایرانی است. همین است که معماری ما ایرانی‌ها در دنیا شهره است و به عنوان یکی از بهترین نمونه‌ها و سبک‌های معماری شناخته می‌شود.

این‌ها را که روی کاغذ می‌نوشتیم، ناخودآگاه به کارگاهمان فکر می‌کردم. ما در هنرستان به کمک هنرآموزان یک تولیدی محصولات کشاورزی راه انداخته‌ایم. ویژگی‌های معماری ایرانی را با محصولات خودمان در هنرستان مقایسه کردم.

دست از کاغذ و قلم کشیدم و همین‌طور که به طاق‌های مسجد خیره شده بودم، مرغ خیالم به پرواز درآمد که: مثلاً اگر بتوانیم روی بسته‌بندی محصولات طرح و نقش‌های زیبا کار کنیم، حتماً روی فروشمان تأثیر خواهد گذاشت. یا مثلاً اگر روی نحوه کشت بعضی از محصولات بیشتر دقت کنیم و حساب و کتابمان را دقیق‌تر کنیم، احتمالاً محصولاتمان بیشتر و باکیفیت‌تر خواهند شد.

اصلاً چرا فقط تولیدی کوچک ما؟! همه کالا‌های ایرانی می‌توانند از هنر معماری ایرانی الگو بگیرند تا تولیدشان باکیفیت‌تر شود و مثل معماری‌مان، همه تولیداتمان در دنیا به زیبایی و کیفیت معروف شوند.



د

مهیار قنبری

د